



تیتراژ امروز

اعتراضات گسترده به جنایات اخیر آل خلیفه ادامه دارد

بسیج عمومی در بحرین

مقاومت اسلامی بحرین در بیانیه‌ای بر هدف قرار دادن همه مزدوران رژیم سرکوبگر و تشکیلات نظامی و امنیتی آن تأکید کرده است

صفحه ۱۵

حمیدرضا مقدم‌فر در برنامه زنده جهان آرا با انتقاد از بی‌بسی‌ عنوان کرد

امثال کرباسچی باید زودتر می‌فهمیدند

صفحه ۲

نظارت بر صندوق فرهنگیان مشکل دارد

وام‌های نجومی به ۳۰ فرد خاص رسید

صفحه ۴

هواي باي‌تخت بازم در شرایط «ناسالم»

آآینده‌ها نرفته دوباره بازگشتند

صفحه ۴

سقوط هواپیمای باری ترکیه در مناطق مسکونی در بیسکک قزاقستان

۳۷ کشته در سانحه ۷۴۷

صفحه ۱۵

روزنه

از مواجهه کریمان متوهم نشود

حسین قدیانی



بزرگوارى تاريخى امت حزب‌الله در مواجهه با درگذشت مبارز کهنسال مخصوص در روز تشييع، بعضى‌ها را به وادى توهم کشانده! اين در حالى است که حزب‌الله، سر سوزنى از مواضع انقلابى خود عليه قانون‌شکنى فتنه‌گران عدول نکرده و دوباره هم اگر لازم شود، دفاع توامان خواهد کرد از اسلاميت و جمهوريت و حقالله و حقالناس آرى! قرار نيست رفتار و گفتار از روى کرامت امت حزب‌الله، در ترجمه به تحليل‌هاى عليل و من‌درآوردى فتنه‌فشا عليه ۴۰ ميليون راي ملت و آن همه بى‌آبرويى و قدرشناسى و گرا به دشمن در زمينه تحريم، در هر صورت و على کل حلال محکوم است. اينکه امت حزب‌الله از ورى درگذشت هاشمى، چشم خود را بيشتر معطوف نيمه پر ليوان کرد، موبد کرامت ماندگار و بزرگوارى تاريخى ايشان است، نه آنکه نيمه خالى هم پر بوده و درست بوده البته از جماعت بى‌انصافى که بسا دروغ بزرگ تقلب راه را بر آشوب و هرج و مرج و تحريم‌هاى معروف به فلج‌کننده دشمن آمريكايى بار کردند، خيلى نمى‌توان انتظار داشت تلقى درستی از واکنش اخلاقى امت حزب‌الله به فتنه‌هاى مبارز کهنسال داشته باشند، ليکن فرض است بر صداوسيماس که با الگوگيرى از رفتار و گفتار از سر اعتدال امت حزب‌الله، خوبى را ديگر از حد نگذراند که جماعت نادان، خيال بد کنند ما يک «تکریم» داريم که در نهايت اخلاص و بصيرت و فهم درست، اين روزها مکرر از جامعه انقلابى شاهد بوديم، ليکن يک چيز هم در مايم تحت عنوان «تقدیس» که خوب است رسانه ملي تفاوت اين دو مهم را مدنظر داشته باشد. با از دنيا رفتن فردى که در کارنامه‌اش، هم نقاط مثبت و هم نقاط منفي بسيار پررنگ ديده مى‌شود، پيچيدن نسخه کرامت، به آن نيست که ديگر شورش را درآورى، گو اينکه فرد متوفى، هنگامى که در مسير باطل هم بوده، صاحب حق بوده! طرفه حکايت اينجاست، خوبى که از حد بگذرد، نادان هميشه خيال بد مى‌کند! نادان است ديگر! به جاي صحنه پر عملکرد صداوسيماس، يک چيزى هم اين وسط طلبکار مى‌شود و در حالى که خود، مصداق ربا و چندچهرگى است، همين اتهامات را نثار ايسن و آن مى‌کند! على اى حال هفته‌اى که گذشت، براى بار هزرم شايده بر همه ما و آن‌شاه‌الله بر صداوسيماس روشن کرد اصحاب فتنه، لايق مواجهه کریمان نيستند.

بادداشت امروز



چرا برخى کشورها در جهان قادرند ابرارائه توليد کنند و برخى ديگر توان ساخت ابتدائى‌ترين محصولات صنعتى را نيز ندارند و صرفاً در ازاي فروش منابع و ثروت‌هاى طبيعى خود و به شرط رضابت دسته اول، مى‌توانند مصرف‌کننده اين مصنوعات باشند؟ چگونه اقتصاد برخى کشورها «تک‌محصولى» مى‌شود و فى‌المثل حتى براى تامين نيازهاى اوليه خود، جز فروش نفت و گاز و مواد معدنى شان، محصول قابل‌اعتنای ديگرى ندارند؟ چرا اين وضعيت، به ندرت تغيير مى‌يابد و اغلب، يک وضع مداوم است؟ ليبرال‌هاى ايرانى پاسخ‌هاى انحرافى متعددى به اين پرسش‌ها داده‌اند. برخى سياسيون ليبرال، پيشرفته بودن کشورهاى صنعتى را ناشى از برترى هوش و استعداد و توانايى ذاتى اين جوامع و عقب‌ماندگى ديگران را در ناتوانى و کم‌استعدادى خود آنها دانسته‌اند. سپهبد رزم‌آرا، نخست‌وزير ايران در زمان محمدرضا شاه پهلوى معتقد بود ايرانى حتى قادر به ساختن لولهنگ (آفتابه گلى) نيست و يک کارخانه سيمان را نمى‌تواند اداره کند. با مهندس اکبر ترکان، مشاور ارشد آقاى حسن روحانى قائل است ايرانى فقط مى‌تواند در توليد آبگوشت بزباش رقابت کند. برخى ديگر چون سيدحسن تقى‌زاده، رضاخان پهلوى و محمد خاتمى، قائل به اين بوده‌اند که براى رسيدن به توسعه اقتصادى «بايد از فرق سر تا ناخن پا فرنگى شد» و «علاوه بر خرد و بينش غرب، بايد منش غربى متناسب بسا اين بينش را نيز پذيرفت تا توسعه بيايد» و معمولاً نظرياتشان در تلاش براى برهنگى فرهنگى و ليبراليزه کردن نظام سياسى عييتت يافته است. در سوى ديگر، طيف وسيعى از چهره‌هاى آکادميک ليبرال قائل به اين هستند که رشد و پيشرفت اقتصادى غرب مروهون آزادسازى تجارى- مالى است و ايران نيز بايد دست به آزادسازى اقتصاد خود زده و دولت در اقتصاد مداخله نکند. در نهايت ليبرال‌هاى عالمى نيز مى‌گويند جهان يک کارخانه بزرگ است که هر کشور و ملتى مامور به توليد کالايى است تا با ديگران مبادله کند و متقابلاً نيازهاى يکديگر را برطرف کنند؛ سهم غربى‌ها در اين کارخانه، فناوری و سهم ما، توليد نفت و گاز است و لذا به امور ديگر نيازى نيست و نبايد بپردازيم. اما تدقيق در تاريخ و مسير پيشرفت کشورهاى صنعتى به ما مى‌گويد همه اين بافته‌ها افسانه است. در تمام اين ادعاها عامدانه يا جاهلانگه از نقشى که «دسترسى و تسلط بر بازار» در پيشرفت صنعتى دستسازى از کشورها و «محرورميت از بازار» در عقب‌راندى و عقب‌ماندگى جمعى ديگر ايفا کرده،

استعمار فرانو در کمين ايران

دکتر سيدياسر جبرائيلی

غفلت شده است. اهميت بازار از يکسو در اين است که حيات و مमत صنايع به دسترسى به آن بستگى دارد و اگر توليدکننده‌اى نتواند توليد خود را در بازار به فروش برساند، ورشکستگى فرجام محتوم او است و از سوى ديگر، اگر دولت به صورت هوشمند، دست به گسترش جغرافيايى بازار براى توليدکننده داخلى بزند و در مقابل، الزاماتى را در رابطه با كيفيت، فناوری و تعهدات مللى بر آن تحميل کند، توليدکننده مى‌تواند با انباشت سرمايه حاصل از فروش بيشتر (صرفه ناشى از مقياس)، فرايند ارتقاى فناوری و كيفيت را تسريع بخشد و کشور مادر را از مزايای اين ارتقا بهره‌مند کند. به گواه تاريخ، کشورهاى پيشرفته غربى، در مراحل اوليه توسعه خود با تمام توان از بازار داخلى برابر کالاهای خارجى حراست و حفاظت کرده‌اند تا در انحصار توليدکنندگان داخلى باشند. پس از پيشرفته شدن و آزادسازى تجارى نيز هر گاه ديده‌اند صنايع داخلى توان رقابت با کالای خارجى را ندارند و توليد داخلى منضر مى‌شود، به انواع محدوديت‌هاى تعرفه‌اى وغير تعرفه‌اى متوسل شده‌اند تا از بازار خود براى توليدات داخلى صيانت کنند. سياست غربى‌ها در حمايت از توليد داخلى به صيانت از بازار محدود شده و در مراحل اوليه پيشرفت به شکلى و پس از پيشرفته شدن نيز به گونه‌اى ديگر، شاهد تلاش اين کشورها براى گسترش جغرافيايى بازار-فتح بازارهاى خارجى براى توليدات داخلى- هستيم. با تمرکز بر مساله «صيانت از بازار»، مى‌توان تاريخ اقتصاد سياسى کشورهاى پيشرفته را به ۲ دوره صيانت سنتى و صيانت مدرن از بازار تقسيم کرد. علاوه بر اين، مى‌توان ۲ دوره بازارگشايش سنتى و بازارگشايش مدرن را نيز در تاريخ شناسايى کرد که کاملاً با نوع سياست صيانتى، تلاقى و تناسب دارد. يعنى دوره صيانت سنتى با بازارگشايش سنتى و دوره صيانت مدرن با بازارگشايش مدرن متلاقى است. ۱- صيانت سنتى از بازار و بازارگشايش سنتى صيانت سنتى از بازار براى توليدکنندگان داخلى عمدتاً ناظر به اعمال محدوديت‌ها و ممنوعيت‌هاى تعرفه‌اى و تجارى است. در اين دوره، کشورها يا تعرفه‌هاى سنگين براى واردات کالاهای خارجى وضع مى‌کردند تا قيمت واردات افزايش يافته، خريد آن کالاها بسراى مصرف‌کنندگان داخلى مقرون به صرفه نباشد و طبيعتاً به سمت خريد کالای داخلى هدايت شوند، يا اساساً قوانينى براى ممنوعيت تجارت‌هاى خاص به نفع صنايع داخلى اعمال مى‌کردند. انگليس تا سال ۱۸۴۵ بيشترين سطح تعرفه

مشهور است کمپانى هند شرقى سال ۱۷۱۷ يک فرمان سلطنتى از فرمانرواى گورکانى در هند دريافت کرد که اين کمپانى را از پرداخت عوارض واردات کالا به بنگال معاف مى‌کرد. اينگونه بود که بنگال، قلب صنعت نساجى هند که باعث شده بود اين کشور ۲۳ درصد منسوجات جهان را توليد و به اروپا و آفريقا و آسيا صادر کند، ويران شد. سال ۱۷۵۷ (ديققاً در عرض ۴۰ سال) انگليس کنترل بنگال را کاملاً به دست گرفت و اين «صنعت‌زدايى» تحميل شده به هند، شهرهاى سابقاً ثروتمند اين کشور را تبديل به ويرانه‌هاى فقر کرد. استعمارگران تقريباً به هر کشورى پا گذاشتند، يکى از نخستين گام‌هاى شان تحميل تعرفه‌هاى پايين براى صادرات کالاهای خود به بازار آن بود. وقتى صنايع کشور مستعمره به سبب تقديم بارش به بيگانگانه، به نابودى کشيده مى‌شد، آن کشور طبيعتاً مجبور بود کالاهای مورد نياز خود را وارد کند و براى اين واردات، لاجرم بايد کالايى صادر مى‌کرد که در بازار خارجى تقاضا داشت و آن چيزى نبود جز مواد خام و معدنى که استعمارگر براى توليد مصنوعات صنعتى نيازمند بود. اينگونه بود که اقتصاد برخى کشورها در جهان تک‌محصولى شد. در اين ميان چون خريدار نيز محدود بود و اصطلاحاً انحصار داشت، قيمت نيز توسط او تعيين مى‌شد و اينگونه بود که بازارش ترين درايى‌هاى ملت‌ها به نمن بخش به تاراج رفت. ماجرا به صادرات مواد خام و واردات کالاهای صنعتى متوقف نشد. اين روند يک چرخه وابستگى و عقب‌ماندگى در کشورهاى مستعمره ايجاد و در مقابل، استعمارگران را روز به روز توانگرتر و ثروتمندتر کرد. مع‌الانفس، پايه‌هاى صنعت‌زدايى از ايران و سوق يافتن کشور ما به سمت اقتصاد تک‌محصولى نيز در عصر قاجار به همين سببى گذاشته شد. با انعقاد عهدنامه‌هاى گلستان و ترکمنچايى با روسيه و عهدنامه تجارى با انگليس، تعرفه‌هايى در حد ۳ و ۱/۵ درصد بر ايران تحميل شد. کشورهاى ديگر نيز با استناد به اصل کامله‌الوداد، خواستار همين ميزان تعرفه براى صادرات کالاهای خود به ايران شدند و در زمان اندکى بازار ما به تصرف خارجى‌ها درآمد؛ توازن تجارى ايران و بيگانگان برهم خورد، سيل کالاهای اروپايى روانه ايران شد و صنايع داخلى ما را فلج کرد. از جمله نخستين صنايعى که در ايران شکل گرفته بود، صنعت نساجى بود که در زمان سلطنت «ناصرالدين شاه» با تانسيس کارخانه‌اى توسط «هرتسلى قلى‌خان صنيع‌الدوله» در خيابان لاله‌زار آغاز شد اما پيرو قراردادهاى تحميلي و حذف حقوق گمرکى، منسوجات انگليسى با تعرفه‌هاى پايين به بازار ايران سرازير شدند و در عرض ۲ سال، کارخانه صنيع‌الدوله را به تعطيلى کشاند. **ادامه در صفحه ۵**

جنگ لفظى بى سابقه رئيس سيا با يک رئيس جمهور آمريکا

مراقب حرف زدنت باش!

رئيس جمهور جديد آمريکا در پاسخ رئيس سازمان سيا را به انتشار اسناد جعلى عليه خود متهم کرد

صفحه ۱۵

